



تابستانه ی ۵

سلام بر پسرهای دانا

با انرژی و شاداب فعالیت های تابستانه ی ۵ را شروع کنیم :

۱ - با خواندن این جمله ها به یاد کدام یک از درس های کتاب فارسی می افتی ؟ نام هر درس را بنویس ، از روی آن درس ها بخوان و یک جمله از هر درس را در دفترت بنویس .
آن جا کفّاشی است .

زنگ آخر بود .

آن ها همیشه به دیگران سلام می کنند .

۲ - بر روی تصویر زیر کلیک کن و برگه ی تمرین ریاضی را دانلود کن ، از آن با سایز A5 پرینت بگیر و فعالیت های خواسته شده را انجام بده .



۳ - ضرب المثل شتر دیدی ندیدی را بخوان و در دفترت بنویس از این داستان چه چیزی یاد گرفتی ؟



۴ - به تصاویر زیر با دقت نگاه کن و نام شغل هایی که می بینی را در دفترت بنویس . هر شغل از چه ابزار مخصوصی استفاده می کند ؟ خودت دوست داری در آینده چه شغلی را انتخاب کنی؟ درباره ی آن تحقیق کن و نتیجه را در دفترت بنویس .



۶- پسر کوشا؛ از مطالعه ی کتاب چه خبر؟ چند تا کتاب تا حالا خوانده ای؟ تعداد کتاب هایی که خوانده ای و اسم یکی از کتاب هایی که خواندی و خیلی دوست داشتی را در قسمت نظرات برایم بنویس.

۷- به جدول پایین با دقت نگاه کن و جواب سوالات را در دفترت بنویس.

ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۹	۱۵	۲۷	۴۰	۱۲	۳۳	۷۶	۱۴	۲
۲	۱۱	۳	۱۹	۰	۴۹	۸۰	۱۰	۲۳	۸
۳	۲۴	۱۷	۶۲	۲۹	۵۳	۱۰	۹۹	۱۳	۱
۴	۸۵	۳۴	۵۰	۱۰۰	۹۱	۳۷	۴۳	۵۲	۷
۵	۳۹	۶	۱۴	۱۳	۵۹	۸۶	۴۸	۲۲	۱۹
۶	۴۰	۱۱	۲۱	۱۸	۴۴	۴۸	۳۲	۳۰	۹۳

- در ردیف اول، کوچکترین عدد زوج را بنویس.
 - در ردیف دوم، عدد قبل از ۵۰ را پیدا کن و بنویس.
 - در ردیف اول کدام عدد، رقم هایش تکراری است؟ آن را بنویس.
 - در ستون اول، کوچکترین عدد دو رقمی را پیدا کن و بنویس.
 - در ستون سوم، عدد بعد از ۲۰ را پیدا کن و بنویس.
 - در ردیف چهارم، عددهایی را پیدا کن که از ۵۰ بیشتر و از ۹۱ کمتر باشد.
 - در ردیف ششم، عددهای زوج را پیدا کن و آن‌ها را از کمتر به بیشتر مرتب کن و بنویس.
 - در ردیف پنجم، بزرگترین عدد زوج و کوچکترین عدد فرد را پیدا کن و بنویس.
 - در ستون چهارم بزرگترین عدد را بنویس.
 - در ستون هفتم، نزدیکتری عدد به ۱۰۰ را بنویس.
 - در هر ردیف، اعداد را از کمتر به بیشتر مرتب کن.
 - در هر ستون، اعداد را از بیشتر به کمتر مرتب کن.
- ۸- دوست خوبم، امروز منتظر یک داستان خوب و زیبا از فکر و نظر تو هستیم. پس با دقت به تصویر زیر نگاه کن کن و درباره ی آن فکر کن، حالا مدادت را بردار و شروع به نوشتن داستان در دفتر تابستانه بکن. (این داستان به جای یکی از املاهایی است که باید در این هفته می نوشتی.)



کتاب بخوان با شادی حالا که با سواد

قرار ما با شما گل پسرها هفته ی دیگر در تاریخ ۴/۵/۹۹ با تابستانه ی ۶



جهت دریافت pdf تکلیف این هفته بر روی تصویر بالا کلیک کنید.

شتر دیدی ندیدی!

مردی در صحرا به دنبال شترش می گشت تا اینکه به پسر با هوشی برخورد. سراغ شتر را از او گرفت. پسر گفت: شترت یک چشمش کور بود؟ مرد گفت: بله. پسر پرسید: آیا یک طرف بار شیرین و طرف دیگرش ترش بود؟ مرد گفت: بله. حالا بگو شتر کجاست؟ پسر گفت من شتری ندیدم. مرد ناراحت شد و فکر کرد که شاید این پسر بلایی سر شتر او آورده و پسرک را نزد قاضی برد و ماجرا را برای قاضی تعریف کرد. قاضی از پسر پرسید. اگر تو شتر را ندیدی چطور مشخصات او را درست داده ای؟



پسرک گفت: در راه، روی خاک اثر پای شتری دیدم که فقط سبزه های یک طرف را خورده بود. فهمیدم که شاید شتر یک چشمش کور بود.

بعد دیدم در یک طرف راه مگس بیشتر است و یک طرف دیگر پشه بیشتر است. و چون مگس شیرینی دوست دارد و پشه ترشی را؛ نتیجه گرفتم که شاید یک طرف بار شتر شیرینی و طرف دیگر بار ترشی بوده است.

قاضی از هوش پسرک خوشش آمد و گفت: درست است که تو بی گناهی ولی زبانت باعث دردسرت شد پس از این به بعد شتر دیدی، ندیدی!!

این مثل هنگامی کاربرد دارد که پرحرفی باعث دردسر می شود. آسودگی در کم گفتن است.

!! شتر دیدی ندیدی!

